

# درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی اساسنامه آن

دکتر سید نصر... ابراهیمی<sup>۱</sup>

## مقدمه

پیوسته مسئله تدوین و اعمال حقوق کیفری بین‌المللی با طرح اصل استقلال و حاکمیت کشورها و عدم جواز مداخله در امور داخلی آنان، مورد شک و تردید بلکه انکار قرار می‌گرفت. در نتیجه هیچ‌گاه موضوع ضرورت همکاری میان کشورها و اقدام همه‌جانبه آنها در مبارزه با جرایم بین‌المللی به صورت جدی مطرح نمی‌شد. بدین‌جهت از یک طرف جوامع بشری پیوسته شاهد جنایاتی از قبیل نسل‌کشی، جنایت برضد بشریت، و جنایات جنگی بوده‌اند به طوری‌که مشاهده می‌شود از زمان جنگ دوم جهانی تاکنون بیش از ۲۵۰ مخاصمات مسلحانه خونین در جهان رخ داده

---

۱. نویسنده فارغ‌التحصیل دوره لیسانس از دانشگاه تهران، فوق‌لیسانس و دکتری از دانشگاه شفیلد انگلستان می‌باشد.

است که قریب ۱۷۰ میلیون قربانی به خود گرفته است،<sup>۲</sup> و از طرف دیگر دادگاه‌های داخلی از توانایی‌های لازم برخوردار نیستند تا آن‌که مرتکبین چنین جرایمی را به پای میز محاکمه بکشانند و عدالت کیفری را در حق آنها اجرا نمایند.<sup>۳</sup>

اگرچه همکاری گسترده بین‌المللی کشورها با یکدیگر در بخش‌های حقوقی و تجاری، از طریق انعقاد معاهدات دوجانبه، چندجانبه، قابل مقایسه با چنین همکاری در زمینه‌های کیفری نمی‌باشد، به طوری‌که به جرأت می‌توان ادعا کرد که روند همکاری بین‌المللی کشورها در زمینه‌های کیفری حداقل ۵۰ سال از زمینه‌های حقوقی و تجاری عقب‌تر است،<sup>۴</sup> ولی باید اذعان کرد که همیشه آرزوی همکاری و مشارکت وسیع جهانی در زمینه‌های کیفری مخصوصاً از طریق تأسیس یک محکمه کیفری بین‌المللی اندیشه بشر را آزار می‌داد.

از آغاز تأسیس جامعه ملل، بحث همکاری‌های بین‌المللی کشورها در امور

---

2. Dakar Declaration of 6 February 1998 for the Establishment of the International Criminal Court.

3. Ibid.

4. D. J. McClean, *International Judicial Assistance*, Clarendon Press, 1992, p. 124.

کیفیری، موضوع دستور کار کمیته کارشناسان جامعه ملل جهت تدوین پیشرفته حقوق بین‌الملل<sup>۵</sup> قرار گرفت. در سال ۱۹۲۸ میلادی، گزارشی از کمیته فرعی<sup>۶</sup> وابسته به آن توسط پرفسور شوکینگ<sup>۷</sup> تهیه شد، که در آن از همه کشورها خواسته شد تا از مجاری دیپلماسی پیشنهادات خود را در زمینه همکاری‌های کیفیری بین‌المللی و راهکردهای آن ارائه نمایند.<sup>۸</sup>

موضوعاتی از قبیل تجارت جنگ‌افزارهای کشتارجمعی، مواد مخدر، و تروریسم بین‌المللی و حتی جرایم تجاری<sup>۹</sup>، جامعه بین‌المللی را به فکر تأسیس دادگاه‌های ویژه<sup>۱۰</sup> انداخت. تأسیس دادگاه‌های ویژه نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو<sup>۱۱</sup> بعد از جنگ دوم جهانی به منظور محاکمه مجرمان جنگی آلمان و ژاپن، سپس تأسیس دادگاه ویژه

---

5. League of Nations Committee of Experts for the Progressive Codification of International Law.

6. Sub – Committee.

7. Schücking.

8. League of Nations Doc. A. 15. 1928 V, reproduced in the Harvard Research, (1939) 33 Am. Jo. I. L (Supp). P. 143 in McClean, op. cit., pp. 124-125.

9. Commercial crimes.

10. ad hoc.

11. International Military Tribunals.

دیگری به نام محکمه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق<sup>۱۲</sup> جهت محاکمه مجرمان جنگی در کشتار مردم مسلمان و بی‌دفاع بوسنی - هرزگوین، اولین گام عمده در طرح یک محکمه بین‌المللی مدرن و پایدار به‌شمار می‌آید، همچنان‌که محکمه اخیر اعلام نمود: «این موضوع که حقوق بین‌الملل وظایف و مسئولیتهایی را هم بر اشخاص حقیقی و هم بر کشورها تحمیل می‌کند، از مدت‌مدیدی پیش مورد شناسایی قرار گرفته است... اشخاص حقیقی ممکن است به دلیل تخلفات از حقوق بین‌الملل مورد مجازات قرار گیرند. جرایم بر ضد حقوق بین‌الملل جرایمی هستند که به وسیله اشخاص حقیقی، و نه شخصیت‌های حقوقی، به وقوع می‌پیوندند، و تنها از طریق مجازات اشخاص حقیقی که این‌گونه جرایم را مرتکب شده‌اند می‌توان مقررات حقوق بین‌الملل را اجرا کرد»<sup>۱۳</sup>.

در سال‌های اخیر عزم راسخ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی که اساساً

---

12. The International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, 1993.

13. Steiner & Alston, International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals, Clarendon Press, 1996, p. 1034.

داراي ماهيت سياسي مي‌باشد، بر اين تعلق گرفت تا يك مركز مستقل كيفري بين‌المللي در سطح جهان در مبارزه با جرايم بين‌المللي شكل گيرد.

در حال حاضر باتصويب اساسنامه ديوان كيفري بين‌المللي در ماه جولاي ۱۹۹۸ ميلادي، بعد از سالها برنامه‌ريزي و انتظار و ارائه طرح‌ها و پيش‌نويسهاي متعدد، و قبولي آن توسط اكثر كشورهاي شركت‌كننده در اجلاس، اين گام مهم برداشته شده است.<sup>۱۴</sup> كشورهاي عضو جامعه

---

۱۴. پيشينه تاريخي تأسيس ديوان بين‌المللي كيفري اختصاراً به قرار زير است:  
— در سال ۱۹۴۸ ميلادي، كنوانسيون نسل‌كشي (Genocide Convention) توسط سازمان ملل پذيرفته شد.  
— در دهه ۱۹۵۰ ميلادي، كميسيون حقوق بين‌الملل (The International Law Commission) مأمور تدوين اصول محاكمات دادگاه نورنبرگ شد.  
— در سال ۱۹۸۹ ميلادي، كشور كوچك Trinidad & Tobago پيشنهاد تأسيس دادگاه كيفري بين‌المللي را در مجمع عمومي سازمان ملل متحد مجدداً طرح كرد. آنگاه مجمع عمومي از كميسيون حقوق بين‌الملل درخواست تدوين طرح پيشنهادي در اين خصوص را نمود.  
— در سال ۱۹۹۳ ميلادي، شوراي امنيت سازمان ملل متحد دادگاه نظامي ويژه يوگسلاوي سابق را تأسيس كرد.  
— در سال ۱۹۹۴ ميلادي، كميسيون حقوق بين‌الملل طرح نهايي پيشنهادي خود را به كميته ششم از چهل و نهمين جلسه مجمع عمومي تقديم نمود. در اين سال دادگاه ويژه رواندا توسط شوراي امنيت تأسيس شد.

درآمدي بر تأسيس دادگاه كيفري ... ❖ ۱۸۳

بین‌المللی پذیرفته‌اند که برای حفظ امنیت ملی<sup>۱۵</sup> و اجرای موفق قوانین کیفری خود ضروری است از طریق همکاری و تشریک مساعی بین‌المللی کشورها با همدیگر به جنگ با مجرمان بین‌المللی بروند.

در این مقاله کوشش شده است تا به اختصار ضمن طرح موضوع صلاحیت کیفری دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی، دلایل مخالفین و موافقین با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته، و در خاتمه ارزیابی کلی از محاسن و معایب دیوان و اساسنامه آن به همراه برخی از پیشنهادهای عملی ارائه گردد.

---

— در سال ۱۹۹۵ میلادی، کمیته‌های موقت بررسی طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل در طی دو مرحله جلسات دو هفته‌ای خود را تشکیل دادند.

— در ماه دسامبر سال ۱۹۹۵ میلادی، مجمع عمومی تصمیم بر تشکیل کمیته مقدماتی برای تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی گرفت، که دو بار در سال ۱۹۹۶ میلادی در نیویورک (۲۵ مارس تا ۱۲ آوریل و دیگری از ۱۲ تا ۳۰ اوت) جهت تدوین اساسنامه موقتی تشکیل جلسه دادند. کمیته مقدماتی جلسات دیگری را نیز ترتیب داد.

— در ماه جولای ۱۹۹۸ میلادی، نمایندگان تام‌الاختیار کشورها در رم ایتالیا جهت تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی حضور به هم رسانیدند.

15. England: see infra.

## مبحث ۱ صلاحیت کیفری دادگاهها

### موضوع مسئولیتهای کیفری: کشورها یا اشخاص؟

یکی از سؤالات اساسی این است که آیا جدای از وظایفی که برعهده کشورها نهاده شده است، تعهدات و تکالیف بین‌المللی مستقیماً متوجه افراد و اشخاص حقیقی خواهد شد؟

برخی از حقوق‌دانان معتقدند شکی نیست که افراد نیز می‌توانند موضوع هر نوع سیستم حقوقی موجود در این جهان حتی حقوق بین‌الملل قرار گیرند. در خصوص حقوق بین‌الملل می‌توان ادعا کرد که اگرچه موضوع و هدف اصلی این رشته از حقوق کشورها هستند، ولی هرگاه نقاب از چهره کشورها کنار زده شود، آدمی درمی‌یابد که در وراثت شخصیت حقوقی کشورها و یا سازمانهای بین‌المللی، اشخاص و افراد حقیقی، یعنی انسانهایی با گوشت و خون و استخوان وجود دارند که به صورت غیرمستقیم و گاهی مستقیم موضوع حقوق و تعهدات حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند.

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۱۸۵

به عنوان مثال گاهی اشخاص به‌طور مستقیم و بدون مداخله شخصیت‌های حقوقی کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی موضوع حقوق بشر بین‌الملل قرار می‌گیرند. البته این امر بدان معنا نیست که آنها هیچ‌گاه موضوع تکالیف و تعهدات حقوق بین‌الملل قرار نمی‌گیرند، همچنان که گفته شده است:

«آنهايي که به حقوق بشر بين‌المللي دل بسته‌اند، بایستی به طرف دیگر سکه يعني وظايف و تکالیف بين‌المللي بشر نیز نظر اندوزند».<sup>۱۶</sup>

معمولاً هر جا سخن از وظایف و تعهدات باشد سخن از تخلف خواهد بود، و هر جا سخن از تخلف باشد سخن از مجازات و کیفر خواهد بود. بنابراین هرگاه فردی از وظایف و تعهدات بین‌المللی که برعهده او گذاشته شده است تخلف کند، مرتکب جرم بین‌المللی شده است، که متعاقب آن گاهی مال، مقام، آزادی و حتی حیات خویش را به مخاطره می‌اندازد. در مقابل دسته‌ای دیگر از حقوقدانان

---

16. Steiner & Alston, op. cit., p. 1023.

بر این باور هستند که هیچ‌گاه اشخاص حقیقی موضوع تکالیف حقوق بین‌الملل نبوده، و در نتیجه موضوع محاکمه و مجازات بین‌المللی ناشی از نقض یکی از تکالیف بین‌المللی خود قرار نخواهد گرفت، بلکه این کشورها هستند که ممکن است موضوع تکالیف بین‌المللی قرار گرفته، و نسبت به تخلف از وظایف خود مسؤولیت بین‌المللی داشته باشند.

از طرفی دیگر این عده اظهار می‌دارند که در حقیقت جرم بین‌المللی وجود ندارد، زیرا جرمی که در یک معاهده بین‌المللی تعریف می‌شود جرمی تحت حقوق بین‌الملل<sup>۱۷</sup> است، نه آن‌که جرمی برعلیه حقوق بین‌الملل<sup>۱۸</sup> باشد. معنای این گفتار آن است که هرگاه کشوری معاهده بین‌المللی را بر اساس موازین و تشریفات حقوقی خاص خود جزئی از قانون داخلی قرار دهد، همان جرم با ماهیت بین‌المللی تبدیل به یک جرم با ماهیت داخلی خواهد شد. بنابراین معنای پذیرش احتمالی صلاحیت کیفری جهانی نسبت به تعقیب کیفری

---

17. A crime under international law.

18. A crime against international law.

چنین جرمی، این خواهد بود که قلمرو صلاحیت کیفری عادی یک کشور به صورت شگفت‌آوری توسعه پیدا کرده است،<sup>۱۹</sup> نه آن که وظایف و تعهداتی به صورت مستقیم بر اشخاص حقیقی تحمیل شده است.

در نتیجه گرچه توسعه و بسط چنین صلاحیتی از حوزه صلاحیت کیفری داخلی به حوزه صلاحیت جهانی ضربه آشکار و محسوسی را بر اشخاص حقیقی که در دام آن اسیر شده‌اند وارد می‌کند، اما هیچ‌گاه آنان را از این‌که موضوع قوانین و مقررات کشورها باشند، موضوع حقوق بین‌الملل قرار نمی‌دهد.

شاید براساس چنین برداشتی بود که وقتی رژیم نامشروع و اشغالگر اسرائیل آیزمن،<sup>۲۰</sup> نازی متهم به ارتکاب جنایات جنگی بین‌المللی در جنگ دوم جهانی را دستگیر کرد او را جهت محاکمه به دادگاه بین‌المللی نورنبرگ تحویل نداد، زیرا به وجود یک دادگاه بین‌المللی که قادر باشد وی را محاکمه و مجازات نماید، معتقد

---

19. Steiner & international law.

20. Eichmann.

نبود. ۲۱

به هرحال، اگرچه رد ادعای این دسته از حقوقدانان تا قبل از تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیاز به تأملات و مناقشات زیادی داشت، و در واقع اعتقاد به وجود جرایم و جنایات بین‌المللی و دادگاه بین‌المللی به معنای واقعی کلمه برای رسیدگی کیفری و مجازات آنها کار آسانی نبود، ولی نباید فراموش کرد که انسان قرن بیستم با چشمان شگفتزده خوش شاهد مجازات اشخاص حقیقی شد که به اتهام ارتکاب جرایم بین‌المللی در دادگاههای ویژه نورنبرگ، توکیو و لاهه (در خصوص مجازات مجرمین جنگی در یوگسلاوی و رواندا) محاکمه شدند، که به نوبه خود اعتقاد انسان قرن بیستم را به مسئله جرایم بین‌المللی و محاکم بین‌المللی راسختر نمود.

## صلاحیت جهانی یا صلاحیت کیفری بین‌المللی

همچنان که پرفسور سینکلیر<sup>۲۲</sup> در بحث

---

21. District Court of Jerusalem, Judgment of December 11, 1961. See for details Steiner & Alston, op. cit., p. 1035; and also 56, Am. J. Intl. L., 805, (1962).

22. Sinclair.

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۱۸۹

## صلاحیت کیفری دادگاهها<sup>۲۳</sup> از دو صلاحیت

۲۳. اهم اصول حاکم بر صلاحیت کیفری دادگاهها در تعقیب و محاکمه مجرمان به قرار زیر است:

(۱) اصل سرزمینی (Territorial Principle): یعنی یک کشور ممکن است صلاحیت خود را براساس رفتارهای مجرمانه‌ای تعیین کند که تماماً یا قسمت مهم آن در داخل سرزمینش اتفاق افتاده است؛

(۲) اصل آثار و توابع (Effects Principle): یعنی یک کشور ممکن است صلاحیت خود را بر اساس رفتارهای مجرمانه‌ای تعیین کند که در خارج از سرزمینش اتفاق افتاده است، ولی تأثیر اساسی و مهمی (Substantial effect) در داخل سرزمین آن ایجاد نماید؛

(۳) اصل تابعیت (Nationality Principle): یعنی یک کشور ممکن است صلاحیت خود را براساس رفتارها، منافع، وضعیت یا روابط مجرمانه اتباع خودش در خارج و داخل سرزمین خود تعیین کند؛

(۴) اصل حمایتی (Protective Principle): یعنی یک کشور ممکن است صلاحیت خود را بر اساس رفتارهای مجرمانه‌ای تعیین کند که در خارج از سرزمین خود توسط بیگانگان (غیر از اتباع خود او) ارتکاب یافته است، ولی آن اعمال برعلیه امنیت ملی آن کشور و یا، در برخی موارد محدود، برعلیه منافع ملی دیگر کشورها صورت پذیرفته است. آن موارد محدود عمدتاً شامل جرایمی هستند از قبیل جاسوسی، قاچاق مواد مخدر و سلاحهای ممنوعه و کشتار دسته‌جمعی که تمامیت ارکان و نهادهای یک کشور را تهدید می‌کنند؛

(۵) اصل تبعی بودن شخصیت فردی (Passive Personality Principle): یعنی یک کشور ممکن است صلاحیت خود را براساس رفتارهای مجرمانه‌ای تعیین کند که در خارج از سرزمینش توسط اشخاص بیگانه (غیر اتباع) اتفاق افتاده است، ولی قربانیان ناشی از چنین اعمال مجرمانه‌ای اتباع او هستند. به‌طورکلی این اصل در تخلفات و جرایم عادی جاری نمی‌شود، اما به‌طور روزافزونی شامل جرایمی از قبیل حملات تروریستی، و دیگر حملات سازمان داده شده برعلیه اتباع یک کشور به‌صرف این‌که اتباع آن کشور هستند می‌شود.

برای بحث مفصل در این خصوص رک. قانون روابط خارجی ایالات متحد آمریکا، سال ۱۹۸۷

جهانی، و صلاحیت کیفری بین‌المللی سخن به‌میان آورد،<sup>۲۴</sup> کشورها قبل از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی دو راه‌حل را در برابر خود داشتند،<sup>۲۵</sup> که یکی از آن دو پذیرش صلاحیت کیفری یک دادگاه کیفری بین‌المللی،<sup>۲۶</sup> و دیگری پذیرش صلاحیت کیفری جهانی دادگاه‌های ملی براساس اصل جهانی بود.<sup>۲۷</sup> در نتیجه هر کشوری صلاحیت خواهد داشت تا جرایم بین‌المللی از قبیل دزدی دریایی، آپارتاید، جرایم جنگی، کشتار دسته‌جمعی، و جرایم بر علیه صلح و امنیت، و غیره را که در همه کشورها جرم محسوب می‌شود، مورد رسیدگی و تعقیب

---

Restatement (Third) of The Foreign Relations Law of the United States, 1987

همچنین رک.

Steiner & Alston, op. cit., p. 1023; M. N. Shaw, International Law, 3rd Edn., Cambridge University Press, 1994, pp. 413 infra.

24. Steiner & Alston, op. cit., p. 1080.

۲۵. در گزارشی نسبت به ماده ۴ طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده بود که:

«مشکل تعیین صلاحیت قابل قبول دادگاه از جدی‌ترین موضوعات بود، زیرا چنین امری یا به انتخاب یک صلاحیت دادگاه بین‌المللی، و یا توسعه صلاحیت دادگاه‌های داخلی جهت رسیدگی به جرایم بین‌المللی می‌شد.»

رک.

Steiner & Alston, op. cit., p. 1080.

26. Criminal jurisdiction of an International Criminal Court.

27. Universal Criminal Jurisdiction of National Courts based on the Universality Principle.

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۱۹۱

کیفري و مجازات قرار دهد.

در خصوص جرایم بین‌المللی باید افزود که برخی از جرایم دارای خصوصیتی هستند که موضوع صلاحیت کیفري جهانی و یا دادگاه کیفري بین‌المللی قرار می‌گیرند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۸ میلادی کنوانسیوني راجع به «غیرقابل اعمال بودن محدودیتهای قانونی برای [مجازات] جرایم جنگی و جرایم بر ضد بشریت»<sup>۲۸</sup> تدوین نمود. بر اساس چنین کنوانسیوني جرایم جنگی و جرایم بر ضد بشریت، از دسته‌های معین و مشخص جرایم بین‌المللی به حساب آمدند که استعداد پذیرش صلاحیت کیفري جهانی را دارا می‌باشند.<sup>۲۹</sup> همچنین چنین صلاحیتی در ارتباط با متخلفان و مجرمان بین‌المللی در چهار کنوانسیون صلیب سرخ ژنو<sup>۳۰</sup> مصوب سال ۱۹۴۹ میلادی مورد شناسایی قرار گرفت.<sup>۳۱</sup>

---

28. Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes Against Humanity, 1968.

29. Weiss, "Times Limits for the Prosecution of Crimes against International Law", 53, B.Y.I.L., 1982, pp. 163, 188.

30. The Four Geneva Red Cross Conventions of 1949.

31. See e.g. Draper, The Red Cross Conventions, 1958, p. 105; M.N. Shaw, International law, 3rd edn., Cambridge University Press, 1994, p. 413.

البته باید توجه داشت که سیستم  
صلاحیت کیفری جهانی قابل جمع با صلاحیت  
کیفری يك دادگاه بین‌المللی می‌باشد،  
همچنان که اساسنامه دیوان کیفری  
بین‌المللی مصوب جولای ۱۹۹۸ میلادی،<sup>۳۲</sup> با  
پیش‌بینی صلاحیت کیفری تکمیلی، هیچ‌گاه  
صلاحیت کیفری انحصاری جهت رسیدگی و  
تعقیب کیفری جرایم بین‌المللی را برای  
خود قائل نیست. علت این امر آن است که  
کشورها در صورتی حاکمیت خود بر جرایمی  
که در سرزمینشان اتفاق می‌افتد و منافع  
ملی آنها و یا اتباع آنها را به مخاطره  
می‌اندازد، به يك دادگاه کیفری  
بین‌المللی واگذار می‌کنند، و در نتیجه  
صلاحیت خودشان را در رسیدگی کیفری محدود  
می‌سازند، که از این راستا به منافع  
اساسی و حیاتی آنان خسارات عمده‌ای وارد  
نشود.

## مبحث ۲

### تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی

---

۳۲. در خصوص صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی به  
مبحث سوم «ارزیابی دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه  
آن» مراجعه نمایید.

## دلایل مخالفت با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی

قبل از نشست اخیر کشورها در رم ایتالیا، کشورهای سوسیالیستی مخصوصاً شوروی سابق به دفعات مکرر از پذیرش تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک نهاد فراملی<sup>۳۳</sup> اجتناب می‌کردند. آنها پیوسته از تأسیس دادگاه‌های ویژه، شبیه آنچه که در دادگاه نورنبرگ تجربه شده بود، دفاع می‌کردند، و معتقد بودند که صلاحیت چنین دادگاه‌هایی تنها می‌تواند براساس صلاحیت کیفری ملی مشترک<sup>۳۴</sup> تعیین گردد.

این کشورها مخالف هرگونه تلاش و اقدامی جهت تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی بودند که صلاحیت کیفری آن موازی<sup>۳۵</sup> و یا جانشین صلاحیت کیفری ملی باشد.<sup>۳۶</sup>

البته این تنها کشورهای سوسیالیست نبودند که نسبت به تشکیل یک دیوان کیفری بین‌المللی بدبین و یا مخالف

---

33. Supra-national.

34. Joint Nationsl Criminal Jurisdiction. See Steiner & Alston, op. cit., p. 1080.

35. Side by side jurisdiction.

36. See Steiner & Alston, op. cit., p. 1080.

بودند، بلکه برخی دیگر از کشورها نظیر امریکا و بریتانیا نیز چنین دیدگاهی را داشتند.<sup>۳۷</sup> مناقشات و مباحثات شدیدالحن بین کشورها در این خصوص در زمان انعقاد «کنوانسیون راجع به منع و مجازات جرم کشتار دسته‌جمعی [نسل‌کشی] مصوب دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی»<sup>۳۸</sup> حکایت از آن می‌کرد که اغلب کشورها مایل به تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی نبودند.<sup>۳۹</sup> شاید به همین دلیل بود که فیتز موریس<sup>۴۰</sup> درخصوص مخالفت کشورها با طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل، اعلام داشت که آن کمیسیون موفق نشد تا علاقه و تمایل کشورها را نسبت به تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی جلب کند.<sup>۴۱</sup>

مخالفت‌های فوق حتی در زمان تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در جولای ۱۹۹۸ میلادی به وضوح محسوس بود، به طوری‌که برخی کشورها از قبیل قطر، امریکا، چین، ترکیه آن را امضا

---

37. Ibid.

38. The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide of 9 December 1948.

39. Steiner & Alston, op. cit., p. 1080.

40. Fitzmaurice.

41. Ibid.

نکرده اند، و برخی دیگر به آن رأی ممتنع داده اند.

از عمده ترین دلایل مخالفت برخی کشورها با تأسیس دیوان کیفری بین المللی و در نتیجه انکار صلاحیت کیفری جهانی آن به اختصار به قرار ذیل می باشد:

اول آن که اصل حاکمیت مستقل کشورها در امور داخلی خود، و عدم جواز مداخله در سیستم حقوقی آنها مانع آن خواهد شد که محکمه یک کشور خارجی یا یک محکمه بین المللی بتواند صلاحیت کیفری خود را بر کشور دیگر اعمال نماید.

دوم آن که اصل حق تعیین سرنوشت مردم نسبت به امور خود<sup>۴۲</sup> مانع از آن خواهد شد که برخی از کشورها یا سازمانهای بین المللی به منظور مداخله در سرنوشت مردم کشور دیگر به طرح منافع آرمانی جامعه بین المللی بپردازند، تا از این رهگذر منافع خاص خود را تأمین نمایند.

سوم آن که براساس اصلی که « دادگاههای هیچ کشوری قوانین جزایی کشور دیگر را اعمال نخواهد کرد»<sup>۴۳</sup> و همچنین

42. People's right to self-determination.

43. "The Courts of no Country Execute the Penal Laws of Another", Lord Kames, Equity, Books 3, Chap. 8, s. 1.

اصلي كه « هيچ جامعه‌اي به جرمي اهميت نمي‌دهد، مگر آنچه كه براي خودش مضر باشد»،<sup>44</sup> قوانين كيفري اساساً داخلي و ملي هستند. در نتيجه صلاحيت دادگاهها در حد سرزمين خود و منحصر به اتباع او خواهد بود. به‌عنوان مثال جرايمي كه موجب نقض احكام و مقررات عمومي يك کشور مي‌باشند جرايم داخلي محسوب مي‌شودن، و تنها توسط مقامات دولتي آن کشور قابل رسيدگي و تعقيب كيفري هستند.

چهارم آن‌كه برخلاف دادرسي‌هاي حقوقي، كه يك دادگاه ممكن است به اصولي از قبيل انتخاب قانون حاكم<sup>45</sup> يا قانون مناسب<sup>46</sup> تمسك كند، و در نتيجه قانون يك کشور خارجي را (به عنوان مثال قانون مسئوليت مدني آن کشور را در صورتي‌كه حادثه ناگوار در آن سرزمين اتفاق افتاده باشد) در جنبه‌هاي معيني از دادرسي خود اعمال نمايد، در دادرسي‌هاي كيفري هرگز مسأله انتخاب قانون حاكم يا قانون مناسب خارجي مطرح نمي‌شود. توضيح

---

44. "No Society Takes Concern In Any Crime But What Is Hurtful to Itself", The Antelope (1825), 10 Wheat 123 (US Sup. Ct.), Per Marshall CJ.

45. Governing law / Applicable law.

46. Proper law.

آن‌که در قضایای کیفری دادگاهها معمولاً تنها قانون کشور محل وقوع دادگاهی را اعمال می‌کنند که حاکمیت و اعتبار قضایی را از آنجا گرفته باشد، حتی اگر تعقیب کیفری در ارتباط با عمل مجرمانه‌ای صورت پذیرد که جرم آن در کشورهای دیگر اتفاق افتاده باشد. در نتیجه برای اعمال صلاحیت کیفری دادگاه خارجی در این نوع از قضایا هیچ وجهی وجود ندارد، چه آن دادگاه يك دادگاه ملي و يا يك دادگاه بين‌المللي باشد.

افزون بر دلایل قبل آن است که در جهانی بودن قوانین کیفری و صلاحیت محاکم بین‌المللی نباید اغراق و مبالغه کرد، زیرا آنچه که به جامعه بین‌المللی<sup>۴۷</sup> شخصیت اعتباری می‌دهد کشورها هستند، و آنها نیز در حقیقت شکل سازمان‌یافته سیاسی مردمی هستند که می‌خواهند از آیین و مقررات حقوقی خودشان دفاع کنند.

به علاوه آن‌که عملکرد سازمانها و مجامع بین‌المللی از قبیل سازمان ملل متحد و ارکان وابسته به آن و حتی دیوان بین‌المللی دادگستری، گویای این تجربه

---

47. International Community.

تلخ است که این‌گونه سازمان‌های بین‌المللی هرگز نتوانستند به‌درستی وظایف خود را در تحقق عدالت، و جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی به صورت کامل جامعه عمل بپوشانند. در نتیجه پیوسته هاله‌ای از شک و بدبینی عمومی نسبت به کفایت و شایستگی آنان در رسیدن به آرمان‌های والای انسانی وجود داشته و دارد.

همچنین باید اضافه کرد که نگرانی یک کشور در پذیرش دیوان کیفری بین‌المللی ممکن است از این جهت باشد که در جایی که می‌بایست صلاحیت کیفری خود را نسبت به جرایمی اعمال کند که در کشورش ارتکاب یافته، و متعاقب آن حقی از حقوق شهروندان ضایع شده، و یا منفعتی از منافع ملی آن کشور به مخاطره افتاده است، مرتکب آن جرم مورد بخشش و یا در امان عدالت کیفری<sup>۴۸</sup> آن دیوان بین‌المللی قرار بگیرد.

نکته قابل توجه دیگر آن است که عادتاً مجال است کشوری از تعقیب کیفری جرایمی که در سرزمین آن ارتکاب یافته

---

48. Criminal Justice.

است به لحاظ رعایت منافع و مصالح ادعایی جامعه بین‌المللی و یا دیوان کیفری بین‌المللی خودداری کند.<sup>۴۹</sup> همچنان‌که ممکن نیست کشوری تبعه خود را در اختیار دیوان کیفری بین‌المللی بگذارد تا مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد.<sup>۵۰</sup>

بالاخره آن‌که برخلاف حقوق داخلی که صلاحیت دادگاهها در آن به صورت دو نوع صلاحیت موازی یا عرضی (نسبت به دادگاههای هم‌عرض و در یک درجه) و صلاحیت طولی (نسبت به دادگاههای عالی و دانی و در درجات مختلف) وجود دارد، صلاحیت بین‌المللی دادگاهها به دلیل وجود حاکمیت‌های مستقل در روابط کشورها فقط به صورت صلاحیت موازی وجود دارد. بنابراین طرح این سؤال که آیا مثلاً دادگاه کشور الف نسبت به دادگاه کشور ب صلاحیت ذاتی یا نسبی دارد، صحیح به نظر نمی‌رسد.

این سخن در مورد دیوان کیفری بین‌المللی نیز درست است، زیرا چنین

---

49. Steiner & Alston, op. cit., p. 1080.

50. Ibid.

دیوانی نمی‌تواند بر دادگاه داخلی اعمال  
صلاحیتی نماید.

### **دلایل موافقت با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی**

به هنگام تصویب اساسنامه دیوان  
کیفری بین‌المللی کشورهای زیادی از آن  
استقبال کردند. از عمده‌ترین دلایل  
استقبال از تأسیس دیوان کیفری  
بین‌المللی و در نتیجه قبول صلاحیت کیفری  
جهانی آن به اختصار به قرار ذیل  
می‌باشد:

اول آن‌که در حال حاضر يك مکانیزم  
دائمی برای مجازات اشخاصی که مقررات و  
قوانین بین‌المللی را نقض می‌کنند وجود  
ندارد. در چنین وضعیتی تنها مکانیزم  
مبارزه با جرایم بین‌المللی، اعمال  
مجازاتهای اقتصادی، تحریم و یا مصادره  
کالاها، و نهایتاً در موارد نادری استفاده  
از زور و قوه قهریه می‌باشد. اگرچه  
اعمال چنین مجازاتی تا حدی مطلوب به  
نظر می‌رسد، ولیکن عواقب آن دامنگیر  
انسانهای بی‌گناه و مظلوم نیز خواهد شد.  
این امر برخی از صاحب‌نظران حقوقی را بر

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۲۰۱

آن واداشته است تا به طور جدي اندیشه مسئوليت كيفري بين المللي دولتها را طرح نمايند. اين عده بر اين باور هستند كه منطقي كه تنها راه اعمال مجازات برعليه كشورها را در صورت نقض مقررات حقوق بين الملل، الزام آنان به جبران خسارات وارده مي داند، منطقي است كه با نيازهاي جديد حقوق بين الملل انطباق و انسجام ندارد.<sup>51</sup> بلکه در مقابل بايد محكمه اي بين المللي وجود داشته باشد تا مجرم را به سزاي اعمال خويش برساند، بدون آن كه متعاقب آن انسانهاي بي گناه ديگر متضرر شوند.

دوم آن كه تجربه تلخ جنگهاي داخلي در كشورهايي از قبيل سومالي، بوسني، رواندا، هائيتي، افغانستان و سرزمينهاي ديگر نشانگر آن است كه درگيريها و مخاصمات مسلحانه، حتي با حضور سربازان حافظ صلح سازمان ملل متحد ادامه داشته است، مگر آن كه طرفين درگيريها احساس كنند كه عدالت كيفري در حق آنان توسط يك محكمه عدل بين المللي رعايت خواهد

---

51. Christine Gary, *Judicial Remedies in International Law*, Clarendon Press, Oxford, 1990, p. 215. See Specially the Work of the International Law Commission: R. Ago (1976), I. L. C. Yearbook, Vol II Part I, 24; F. V. Garica-Amador (1954) I. L. C. Yearbook, II, 24.

شد.

سوم آن‌که تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در راستای همکاری مشترک و تعاون بین‌المللی کشورها بوده، و برای حفظ صلح و امنیت بشري ضروري و حیاتي میباشد.<sup>۵۲</sup> قاضي انگلیسی، گریفیتس،<sup>۵۳</sup> در خصوص پرونده *Liangsiriprasert v. United States Government*،<sup>۵۴</sup> اعلام داشت که: «باید از طریق مشارکت و همکاری بین‌المللی فیما بین مجریان قانون به نبرد با جرم بین‌المللی پرداخت».<sup>۵۵</sup>

اما در خصوص موضوع اصل حاکمیت مستقل کشورها بر امور داخلی خود که یکی از عمده‌ترین دلایل مخالفین تأسیس دیوان بین‌المللی است، باید اذعان کرد که دیگر آن مفهوم حاکمیت که در قرن ۱۹ مطرح‌نظر حقوقدانان بود پذیرفتنی نیست. توضیح آن‌که اگرچه هنوز هم کماکان حاکمیت از موضوعات اساسی حقوق بین‌الملل است، ولی مفهوم آن تغییر کرده است. یعنی آن‌که

---

52. See the Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind. See also Steiner & Alston, op. cit., p. 1080.

53. Griffiths.

54. [1990] 2 All E. R. 866, 871-872.

55. "International Crime has to be Fought by International Co-operation Between Law Enforcement Agencies".

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۲۰۲

اگرچه زمانی اراده آزاد دولتها از اصالت خاصی برخوردار بود، اما رفته رفته آن امر به دلیل تغییر در مبانی حقوق بین الملل دگرگون شده است. بنابراین می توان ادعا کرد که امروزه مفهوم حاکمیت برای حفظ و حراست از موقعیت دولتمردان یک کشور نیست، بلکه برای حفظ منابع آن کشور و برای حمایت از مردم آن سرزمین در مرحله نخست، و آنگاه در جهت استحکام ارتباطات بین المللی و همبستگی ملل دنیا با هم، و حفظ و حراست از صلح و امنیت بین المللی می باشد.

چهارم آن که تأسیس یک دیوان کیفری بین المللی تنها راه برای تضمین اعمال یک صلاحیت کیفری بین المللی هدفدار، عینی و بی طرفانه، و در نتیجه تحقق عدالت کیفری می باشد، اگرچه دستیابی به این اهداف آرمانی برای بشر کاری بس دشوار خواهد بود.<sup>۵۶</sup>

به علاوه آن که تأسیس یک دیوان کیفری بین المللی تنها راه برای جلوگیری از اعمال مجازات گوناگون، متشدد و تبعیض گونه توسط کشورها، و مکانیزمی

---

56. Steiner & Alston, op. cit., p. 1080.

هدفدار و همه‌جانبه جهت رسیدگی و تعقیب کیفری مجرمان بین‌المللی می‌باشد.<sup>۵۷</sup> البته این بدان معنا نیست که رویه سنتی موافقتنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه موضوعی<sup>۵۸</sup> در حقوق بین‌الملل درخصوص پیشگیری از جرایم و یا مجازات مجرمین بین‌المللی مکانیزمی موفق و کافی برای مبارزه با مجرمان بین‌المللی و حمایت از منافع جامعه بین‌المللی نبوده و نخواهد بود، بلکه باید به فکر تأسیس نهادی بین‌المللی بود که به نحوی مؤثرتر و قانونمندتر اهداف پیشگفته را به منصفه ظهور برساند. از طرف دیگر در اوضاع و احوال جدید جهانی، این تفکر که یک کشور نباید به حقوق کیفری دیگر کشورها جز در موارد استرداد مجرمین (که پیوسته مورد استثنای عملی در روابط کشورها قرار گرفته است) طرفی ببندد، دور از واقع بوده و با ژرفاندیشی فاصله‌ای طولانی دارد.

مضافاً آن‌که باید از دیدگاه حقوقی بین آن جرمی که منافع کشور خاصی را

---

57. Ibid.

58. Subjective Multilateral or Bilateral Agreements.

تهدید می‌کنند، و آن جرمی که مصالح و منافع جامعه بین‌المللی را نشانه گرفته و به مخاطره می‌اندازد تفاوت قائل شد، و در نتیجه برای جرایم دسته دوم یک نوع سیستم کیفری خاصی را در سطح بین‌المللی طرح‌ریزی کرد.

از طرف دیگر باید افزود اگر دیوان کیفری بین‌المللی شکل نگیرد، محاکمه افرادی که متهم به جرایم معین بین‌المللی هستند، می‌بایست در دادگاه‌های داخلی کشورها انجام پذیرد. این دادگاه‌ها ممکن است نقش خود را در این خصوص بدرستی ایفا نکنند، بلکه با حمایت از یک مجرم بین‌المللی، سهل‌انگاری در تعقیب کیفری و اجرای مجازات و یا ناتوانی در محاکمه او، عملاً مجرمی را که شخصاً هدف و موضوع مسؤولیت کیفری بین‌المللی قرار گرفته است، از مجازات و اجرای عدالت رهایی بخشند، که این امر بالمآل موجب تقویت شبکه‌های مخوب جرایم و مجرمان بین‌المللی خواهد شد.<sup>۵۹</sup>

افزون بر ادله قبل آن است که اگر کشورها در زمانی نه چندان دور در اصل

---

59. Steiner & Alston, op. cit., p. 1033.

ضرورت تأسیس دیوان کیفی بین‌المللی  
تردید داشتند، تغییر اوضاع و احوال در  
دنیای جدید و تأسیس شبکه‌های مافیایی  
بسیار پیچیده، قدرتمند و مخرب قاچاق  
مواد افیونی و مخدر، آدم‌ربایی، تروریسم  
بین‌المللی و غیره، که عرصه زندگی را بر  
مردم جهان و دولتهای معاصر تنگ کرده،<sup>۶۰</sup>  
مقتضی چنین ضرورتی می‌باشد. مطالب  
تکان‌دهنده و افشاکننده حقایق ناگوار در  
گزارش زیر سازمان ملل متحد که در ماه  
اوت ۱۹۹۰ میلادی منتشر شده است مؤید این  
ادعا می‌باشد:

«در جهانی که زندگی کشورها به صورت  
زایدالوصفی به هم پیوند خورده است،  
اعمال و رفتارهای فاسد و مخرب که  
اغلب با جرایم سازمان‌یافته و قاچاق  
مواد مخدر به هم گره خورده است، به  
صورت رو به تزاییدی از حد مرزهای  
داخلی فراتر رفته‌اند. مبالغه‌نگفتی  
(صدها میلیارد دلار) که از راه تجارت  
قاچاق نامشروع مواد مخدر جمع‌آوری

---

۶۰. برخی از جرایم فوق‌الذکر به یکی از جرایم چهارگانه  
مندرج در اساسنامه دیوان کیفی بین‌المللی که در صفحات  
آتی بدان اشاره می‌شود برمی‌گردد.

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفی ... ❖ ۲۰۷

می‌شود، موجب تمرکز قدرت عظیم اقتصادی در دستان خدایگان قاچاق شده است، هم آنانی که قادر هستند تمام حکومتها و دولتها را فاسد و تباه سازند.

خدایگان قاچاق مواد مخدر سیستم عدالت کیفری دولتها را مختل ساخته، و نفوذ زشت و ناهنجار آنان ارزشهای اساسی جوامع بشری را نابود می‌سازد.

این مجرمان در راستای اهداف شوم خویش آماده‌اند تا دادستانها، قضات، سیاستمداران و خانواده و بستگانشان را مرعوب سازند. آنان در مقابل آن عده از مقامات و صاحب‌منصبان شرافتمندی که ارتشا و فساد مالی تأثیری در عزم و کارشان نخواهد گذاشت و پیوسته در مقابل قاچاقچیان مقاومت می‌کنند، به استفاده از خشونت و زور متوسل می‌شوند.

آنان با هدف قرار دادن مجریان قانون، روزنامه‌نگاران، و شهود دادگاههای کیفری، و اعمال خشونت همه‌جانبه در ارتباط با قاچاق مواد مخدر، جوی به وجود آورده‌اند که بنیان حقوق و امر قانونی را مورد تهدید قرار می‌دهند، و

در نتیجه اعتماد مردم نسبت به دولت [و محاکم قضایی] را از بین می‌برند. در بعضی از کشورها، حکومت‌های مرکزی در محاصره قدرتمندان قاچاق قرار گرفته است، و در برخی دیگر، سراسر منطقه یا بخش‌هایی از شهرها به صورت خاکریزهایی غیرقابل تصرف قاچاقچیان درآمدی است، تا حدی که مأموران حکومتی جرئت ورود به حوزه‌های استحقاقی آنان را ندارند.

اما، به نظر می‌رسد که تخریب اقتصادی نهادهای مالی و شرکت‌های اقتصادی مشروع خائنانه‌تر باشد. بدین معنا که هم‌اکنون سیستم‌های اقتصادی خیلی از کشورها، حتی آنهایی که از منابع تولید مواد نامشروع مخدر فاصله دوری دارند، کاملاً به دلارهای حاصل از مواد مخدر وابسته شده‌اند.

این اموال مجدداً در تشکیلات بزهکاری مرتبط دیگر (از قبیل قماربازی، فحشا، تجارت برده و خرید و فروش جنگ‌افزارهای غیرقانونی)، و یا در بنگاه‌هایی (از قبیل مراکز توریستی، هتلها و بانکها) سرمایه‌گذاری می‌شود،

**درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۲۰۹**

تا آنکه متعاقب آن سندیکاهای  
تبهکاران قادر باشند تفوق حتمی خویش  
را در بخشهای کلیدی اقتصاد جهان حفظ  
نمایند.

از آنجایی که قاچاقچیان بین‌المللی با  
بانکها و شرکتهای جهانی در ارتباط  
هستند، تحقیق و تعقیب آنان کاری بس  
دشوار خواهد بود. آنان به آسانی  
می‌توانند خود و اموالشان را به  
حوزه‌های قضایی یک کشور دوست انتقال  
دهند. مضافاً آنکه فعالیتهای آنان در  
خیلی از کشورها براساس حاکمیت اصل  
محرمانه بودن حساب بانکها مورد حمایت  
قرار می‌گیرد.

به دلیل فقدان تحقیقات و رسیدگی‌های  
مؤثر بین‌المللی و فقدان  
موافقتنامه‌های بین‌المللی در جهت  
اعمال و اجرای قوانین کیفری، رهبران  
کارتلهای بزرگ قاچاق مواد مخدر عملاً  
در ماوراء قانون قرار گرفته‌اند.<sup>۶۱</sup>

کمیته حقوقدانان حقوق بشر<sup>۶۲</sup> در

---

61. Corruption in Government, the Report of an Interregional Seminar, The Hague, Dec. 1989  
(UN Doc. TCD/SEM 90/2), p. 8.

62. Report of the Lawyers Committee for Human Rights, May, 1998.

مقدمه گزارش ماه می ۱۹۹۸ خود، راه حل مبارزه با جرایم بین‌المللی و سوء استفاده از حقوق بشر را در تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی یافته است، همچنان که در آن گزارش آمده است:

«دلیل التزام ما در تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی این است که از نیم قرن پیش و از زمان محاکمات نورنبرگ و توکیو، سوء استفاده‌های زیادی نسبت به حقوق بشر و قوانین بشردوستانه حقوق بین‌الملل صورت گرفته است، و این امر هنوز ادامه دارد. کمیته حقوقدانان معتقد است که زمان آن فرا رسیده است تا یک دیوان بین‌المللی کیفری تأسیس شود تا قادر باشد بر اساس حقوق بین‌الملل به قرار مجرمان بین‌المللی از مجازات‌ها خاتمه دهد، و تا بتواند در زمانی که سیستم‌های عدالت کیفری ملی از چنین محاکمه‌ای ناتوان باشند، به عنوان محکمه‌ای [توانا] به رسیدگی و قضاوت کیفری پردازد».

از دیگر دلایل جهت تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری آن است که فقدان یک

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۲۱۱

دیوان کیفری بین‌المللی روان مجرم بین‌المللی را از تبعات شدید جرم خود آسوده خواهد ساخت. این درحالی است که وجود يك دیوان کیفری در جامعه بین‌المللی تأثیر بسیار مثبتی در تقلیل جرایم بین‌المللی، مجازات مؤثر مجرمین بین‌المللی و در نتیجه پیشگیری از وقوع جرایم خواهد داشت.<sup>۶۳</sup> به نظر می‌رسد هرگاه يك مجرم بین‌المللی در يك دادگاه داخلی محاکمه می‌شود و برطبق موازین و مقررات دادرسی کیفری يك دادگاه داخلی محاکمه می‌شود، از جهت روانی آسوده‌خاطرتر خواهد بود، نسبت به آن زمانی که در يك دادگاه بین‌المللی و در مقابل چشمان همه مردم جهان محاکمه شده، و در برابر خودش يك یا چند قاضی بین‌المللی را می‌بیند.

معتقدان به تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی همچنین استدلال می‌نمایند که دادگاه‌های اختصاصی و ویژه که به منظور خاصی تأسیس می‌شوند، و برای حل يك منازعه خاص صلاحیت دارند، همچون دادگاه‌های بین‌المللی نورنبرگ (برای

---

63. Steiner & Alston, op. cit., p. 1023.

مجازات رهبران جنگي آلمان) و توكيو (براي مجازات رهبرن جنگي ژاپن) و لاهه (براي مجازات مجرمان جنگي در يوگسلاوي و رواندا)، نمي‌توانند جامعه بين‌المللي را از بهره‌جستن از يك ديوان كيفري بين‌المللي بي‌نياز سازند.

دليل اين امر آن است كه اغلب مؤسسان چنين محاکمي خواسته و يا ناخواسته يك طرف درگيري و نزاع قرار خواهند گرفت، در نتيجه تصميمات آنان به مصلحت عدالت نزديك نخواهد بود.<sup>64</sup> از طرفي ديگر، با آنكه جامعه بين‌المللي مشوق اصلي براي تأسيس دادگاههاي ويژه يوگسلاوي و رواندا بودند، ولي تجربه عملي نشان داد كه چنين محاکمي نمي‌تواند يك مكانيزم مؤثر، استوار و دائمي، و در نتيجه جايگزيني خوب و مناسب به جاي يك محكمه دائمي كيفري بين‌المللي تلقي گردد.<sup>65</sup>

به علاوه تأسيس چنين محاکمي ممكن است موجب بروز تنش‌هاي سياسي - نظامي در ميان كشورهاي مؤسس و سازمانهاي

---

64. Ibid, p. 1084.

65. Report of the Lawyers Committee for Human Rights, May, 1998.

بین‌المللی همچون شورای امنیت گشته، و عملاً توجه جهانی را از تعقیب کیفری و مجازات مجرمین منصرف نماید. از طرفی هم، چون موضوع و هدف تأسیس چنین محاکمی از قبل معلوم است، ممکن است از ابتدا قضات و دادستانهایی که برای مناصب کیفری خاص منصوب می‌گردند، افراد معینی بوده، و یا از بدو امر پیش‌قضاوت‌هایی نسبت به جرم، مجازات و حتی مجرم‌ان داشته باشند.

همچنین باید اضافه کرد که معمولاً تأسیس چنین محاکمی توسط شورای امنیت و براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد صورت می‌پذیرد. شورای امنیت نیز در صورتی اقدام به تشکیل چنین محاکمی خواهد کرد که ضرورت آن را دریابد. در غیر این صورت، غالباً به صدور یک اولتیماتوم سیاسی و یا قطعنامه‌ای که چه بسا با حق و تو نیز مواجه خواهد شد اکتفا خواهد کرد، که معمولاً نتیجه رضایت‌بخشی نخواهد داشت. البته بر فرض هم شورای امنیت در عمل به وظیفه خود تخطی نکند، نباید از این نکته غافل بود که جهت تأسیس چنین محاکمی نیاز به

فراهم کردن سریع امکانات از قبیل منابع مالی و نیروهای کارآمد انسانی و غیره می‌باشد. ولی از آنجایی که هیچ‌گاه تضمینی برای فراهم آوری چنین امکاناتی در فرصت زمانی محدود وجود ندارد، عملاً در روند تصمیم‌گیری و یا اجرای مناسب آن اختلال ایجاد خواهد شد، و در نتیجه عدالت کیفری درخصوص مجازات مجرمان بین‌المللی اجرا نخواهد شد.

### مبحث ۳

#### ارزیابی دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه آن

برخی از ویژگیهای دیوان و اساسنامه آن اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در نشست نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۷۷ (۱۷ جولای ۱۹۹۸) به تأیید نمایندگان ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده رسید، که نهایتاً بعد از تصویب ۶۰ کشور لازم‌الاجرا خواهد شد. این اساسنامه دارای یک مقدمه، ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده می‌باشد.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصویر مدل خاصی از سیستم کیفری یک کشور

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۲۱۵

معین را ارائه نمی‌کند، بد که قوانین کیفری خود را از کنوانسیونهای متعدد، عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوق بین‌المللی، و رویه‌های قضایی متداول در سیستمهای مختلف حقوقی اتخاذ کرده است. البته باید اذعان نمود که تأثیر منطق حقوقی حاکم بر دنیای غرب، به صورت آشکاری از لابلای مواد آن پیدا است.<sup>۶۶</sup>

در دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است: «کشورهای عضو این اساسنامه... مصمم هستند که به مصونیت مرتکبین این جنایات و فرار آنها از مجازات پایان داده، و در نتیجه در پیشگیری از وقوع چنین جنایاتی مشارکت نمایند». بدین ترتیب یکی از آرمانهای دیوان آن است که در راستای تحقق عدالت کیفری، جرم بین‌المللی بدون مجازات نمانده، و مجرم بین‌المللی نتواند از چنگ عدالت فرار کند بلکه به سزای اعمالش برسد.

اساسنامه دیوان قلمرو صلاحیت کیفری<sup>۶۷</sup>

---

۶۶. در این خصوص، به مبحث آینده راجع به معایب و مشکلات احتمالی دیوان و اساسنامه آن مراجعه نمایید.

۶۷. البته باید توجه داشت که اصطلاح صلاحیت (Jurisdiction) در اساسنامه دیوان به مفهوم محدود (Narrow concept) خود استعمال

خویش را تنها نسبت به مجرمان بین‌المللی، نه دولتها، اعمال خواهد کرد. چنانکه در ماده يك اساسنامه آمده است:

«... دیوان به عنوان يك نهاد بین‌المللی قادر خواهد بود که صلاحیت خویش را بر اشخاص، نسبت به خطرترین جرایم مورد اهتمام بین‌المللی که در این اساسنامه به آنها ارجاع شده است اعمال نماید...».

اساسنامه دیوان در بند يك ماده ۲۵ مقرر می‌دارد که: «دیوان مطابق این اساسنامه نسبت به جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت». در بند ۲ این ماده آمده است که: «هرکس مرتکب یکی از جرایمی که در صلاحیت دیوان است بشود، به طور فردی مسؤول است و مطابق این اساسنامه مجازات خواهد شد». به علاوه در بند ۴ همین ماده مقرر شده است که: «هیچ‌یک از مقررات مربوط به مسئولیت کیفری افراد که در این اساسنامه آمده

---

نشده است، بلکه معنای وسیعی خواهد داشت که شامل صلاحیت برای شعبه‌های دیوان، دبیرخانه، دادستان و غیره نیز می‌شود.

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۲۱۷

است تأثیری بر مسئولیت دولتها مطابق حقوق بین‌الملل نخواهد داشت».

بنابراین دیوان مسئولیتی درخصوص جرایم و مجازات دولتها ندارد، و فقط به محاکمه اشخاص حقیقی می‌پردازد. البته معنای این مقرره این نیست که رؤسای کشورها و مقامات رسمی حکومت در حوزه صلاحیتی این دیوان قرار نگیرند، بلکه آنان نیز همچون اشخاص عادی مشمول صلاحیت کیفری دیوان خواهند شد.

اساسنامه دیوان نگرانی کشورها در خصوص حفظ حاکمیت ملی خود را به دو طریق، یکی از طریق اعمال صلاحیت تکمیلی، و دیگری از طریق محدود نمودن جرایم به یکی از چهار جرم بین‌المللی مندرج در ماده ۵، حل نموده است.

توضیح آنکه اولاً: صلاحیت کیفری دیوان در صدد جانشین شدن به‌جای صلاحیت کیفری دادگاههای داخلی نمی‌باشد، بلکه براساس تصریح اساسنامه دیوان در مقدمه و در ذیل ماده ۱، صلاحیت دیوان در امور کیفری صلاحیتی تکمیلی نسبت به صلاحیت دادگاههای کیفری داخلی کشورها می‌باشد، همچنان‌که در مقدمه اساسنامه آمده است:

«کشورهاي عضو اين اساسنامه ... تأکيد کرده اند که ديوان کيفري بين المللي که براساس اين اساسنامه تأسيس مي شود، تکميلي و تميمي نسبت به صلاحيتهاي کيفري دادگاههاي ملي خواهد بود».<sup>۶۸</sup>

بنابراين دادگاههاي صلاحيتدار ملي کماکان صلاحيت رسيدگي را خواهند داشت، به استثناي مواردی که ديوان صلاحيت انحصاري خواهد داشت. صلاحيت انحصاري ديوان در جايي است که ديوان احراز کند که دولت صلاحيتدار قادر به رسيدگي نيست، مثل آنکه نظام ملي آن کشور دچار فروپاشي شده است، و در نتيجه دادگاه بالفعل و مسلطي جهت محاکمه مجرم بين المللي وجود ندارد، و يا آنکه ديوان احراز کند که دولت صلاحيتدار به دلایل سياسي و غيرسياسي مایل به رسيدگي نيست.

---

۶۸. در گزارش ماه مي ۱۹۹۸ کمیته حقوقدانان حقوق بشر آمده است که:

«دليل ضرورت تأسيس يك ديوان بين المللي کيفري آن است که قادر باشد تا براساس حقوق بين الملل به فرار مجرمان بين المللي از مجازاتها خاتمه دهد، و محکمه اي براي رسيدگي و قضاوت کيفري باشد در زماني که سيستمهاي عدالت کيفري ملي از چنين محاکمه اي ناتوان باشند».

درآمدی بر تأسيس دادگاه کيفري ... ❖ ۲۱۹

بند ۳ ماده ۱۷ اساسنامه مقرر می‌دارد:  
«به‌منظور تصمیم‌گیری در مورد عدم توانایی (دولتی) در قضیه‌ای خاص، دیوان بایستی با توجه به فروپاشی کامل یا قابل ملاحظه نظام قضایی ملی یا در دسترس نبودن چنین نظام قضایی نسبت به توانایی آن دولت در مورد به دست آوردن متهم یا دلیل و شاهد یا اصولاً انجام دادرسی نظر دهد».

ثانیاً: اساسنامه دیوان صلاحیت تعریف شده، محدود و مشخصی را نسبت به خطیرترین جرایم معینی که وصف بین‌المللی داشته و یا در ارتباط با آن می‌باشد ارائه داده است، همچنان‌که ماده ۵ اساسنامه مقرر می‌دارد:

«صلاحیت دیوان محدود به خطیرترین جرایمی خواهد بود که متوجه کل جامعه بین‌المللی شده است...».

در این راستا ماده ۵ اساسنامه خطیرترین جرایم بین‌المللی را به چهار دسته اساسی تقسیم کرده است:

۱- جرم کشتار دسته‌جمعی (The crime of

genocide)

۲— جرایم برضد بشریت (Crimes against

humanity)

۳— جرایم جنگی (War crimes)

۴— جرم تجاوز (The crime of aggression)

از آنجایی که این اساسنامه اولین سند برای تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی در دنیای معاصر به‌شمار می‌آید، به نظر می‌رسد که قادر باشد در قرن بیست و یکم نقش عمده‌ای در جهت تحول و پیشرفت حقوق بین‌الملل، حفظ و حمایت از امنیت و نظم عمومی بین‌المللی، ایفا نماید.

دیوان کیفری بین‌المللی اولین نهادی خواهد بود که جهت حفظ ارزشهای موجود در نظام جامعه بین‌المللی به مجازات متخلفین از حقوق بین‌الملل خواهد پرداخت، و نهادی در جهت حمایت از مصالح و منافع کشور یا افرادی خواهد بود که مورد تجاوز مجرمان بین‌المللی قرار گرفته‌اند. نیل به این اهداف در راستای تحقق آرمان کشورهای کوچک و ضعیفی همچون کشورهای کوچک حوزه کارائیب بوده، که به

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۲۲۱

دلیل آنکه کشورشان پیوسته محل تاخت و تاز مجرمان جنگی و قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر می‌باشد، و مقامات دولتی و دادگاه‌های داخلی آنان از آن‌چنان قدرتی برخوردار نیستند که برای حفظ و دفاع از منافع ملی خود به تحقیق، تعقیب، محاکمه و مجازات آن مجرمان پردازند، در جبهه مقدم پیشنهاددهندگان تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی بودند.

### **برخی از معایب و مشکلات احتمالی دیوان اساسنامه آن**

ذکر محاسن و مزایایی که برای دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه آن شمرده شد به معنای آن نیست که دیوان و یا اساسنامه آن خالی از هرگونه عیب و نقصی می‌باشد. بنابراین به مواردی از معایب و کاستی‌های آن در ذیل اشاره می‌شود:

اول آنکه اساسنامه دیوان خیلی پیچیده، مبهم و در مواردی به نظر متعارض و متناقض می‌آید. علت این امر آن است که این اساسنامه طی سال‌های متمادی و در کمیته‌های مختلفی توسط گروه‌های مختلفی از حقوقدانان مورد فحص و بررسی

و مذاکره قرار گرفته، و آنگاه جمع آوری شده، و به صورت کنونی درآمده است. شاید بتوان ادعا کرد که در زمان تدوین مواد اساسنامه دیوان کسی نبود که از ابتدا تا انتهای مناقشات و مباحثات اساسنامه‌ای، بر آن اشراف کامل داشته و یا بر مفاد کامل آن اطلاع دقیق داشته باشد.

دوم آنکه اگرچه اساسنامه دیوان مکانیزمی را برای تکمیلی بودن دیوان در ماده ۱۷ خود طرح کرده است، و در آن قائل به عدم جواز محاکمه مضاعف شده است، و تقدم رسیدگی و نه تقدم صلاحیت را مد نظر قرار داده است، ولی متأسفانه اساسنامه هیچ تعریفی را از تکمیلی بودن صلاحیت ارائه نداده است، یعنی مقرر نداشته است آیا صلاحیت تکمیلی به معنای نفی کامل صلاحیت جایگزینی است؟ حال اگر دیوان همزمان با دادگاه داخلی شروع به تعقیب و رسیدگی کند مرجع صلاحیتدار کدام دادگاه خواهد بود؟ آیا تکمیلی بودن به معنای معاضدت و همکاری قضایی بین دو دادگاه است؟ در صورت تعارض بین آرای صادره از دادگاه داخلی و دیوان کیفری

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۲۲۲

بین‌المللی کدام رأی مقدم است؟  
سوم آنکه به‌نظر می‌رسد که فضای حاکم بر اساسنامه دیوان استیلای تفکر حقوق اروپا و برتری حقوق بین‌الملل شناخته شده در سیستمهای حقوقی غرب بر دیگر سیستمهای حقوقی دنیا باشد. در قسمت ج از بند ۱ ماده ۲۱ اساسنامه آمده است که دیوان به آن اصول حقوقی کیفی عمل خواهد کرد که «مغایر با این اساسنامه و حقوق بین‌الملل و قواعد و ملاکهای شناخته شده بین‌المللی نباشد». همچنین بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه مقرر می‌دارد که: «تطبیق و تفسیر حقوقی که در این ماده پیش‌بینی شده است نبایستی متناقض با حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی بود...».

به علاوه آنکه ماده ۱۰ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد که: «هیچ‌یک از مواد این فصل از اساسنامه به هیچ‌وجه نباید به نحوی تفسیر شود که قواعد موجود یا در حال تشکیل حقوق بین‌الملل را که برای مقاصد دیگری غیر از این اساسنامه مطمح‌نظر است محدود کند یا به آن لطمه بزند».

چهارم آنکه اگرچه دیون به‌دنبال آرمان مقدس حفظ نظم و صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد، ولی به نظر می‌رسد که هیچ‌گونه تضمینی در اینکه دیوان بالمآل وارد بازیهای سیاسی و تمایلات قطبی جهانی نشود وجود ندارد، همچنان‌که دیگر سازمانهای بین‌المللی از قبیل سازمان ملل متحد در سالهای اخیر از این امر مصون نمانده، بلکه در مواردی هم از اهداف اصلی خود دور شده و متأسفانه در پی حفظ منافع قدرتهای بزرگ جهانی برآمدند.

از دیگر مشکلات آن است که اساسنامه دیوان هیچ‌نوع حق شرطی<sup>۶۹</sup> را نمی‌پذیرد، و این امر ضمن آنکه دلالت بر صلابت و انعطاف‌ناپذیری و جامعیت مقررات آن دارد، موجب نادیده‌گرفتن مبانی و مقررات حقوقی دیگر سیستمهای داخلی کشورها می‌شود. این امر متعاقباً مکن است برای سیستمهای داخلی مشکل‌آفرین باشد، که خود باعث کندي روند الحاق کشورها به اساسنامه دیوان خواهد شد.

از طرف دیگر ماده ۱۶ اساسنامه

---

69. Reservation right..

دیوان مقرر می‌دارد:

«پس از صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد (مبنی بر درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب) هیچ تحقیق یا تعقیبی به‌موجب این اساسنامه نمی‌تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود یا ادامه یابد. این درخواست به‌موجب همان شرایط قابل تجدید توسط شورای امنیت می‌باشد».

با آنکه گرایش‌های سیاسی شورای امنیت در حفظ منافع کشورهای دارای حق وتو و در برخی موارد تصمیمات غیرعادلانه آن در حق کشورهای مستضعف و جهان سوم بر احادی پوشیده نیست، ولی ماده فوق در حقیقت به شورای امنیت يك حق وتو می‌دهد، و این امر ممکن است در آینده به اهرم فشاری بر علیه دیوان تبدیل گردد، و عملاً دیوان را در مسیر تحقق عدالت کیفری بین‌المللی با مشکل جدی مواجه نماید.

از دیگر معایب اساسنامه دیوان آن است که با وجود اصرار تمامی کشورهای جهان سوم و کشورهای غیرمتعهد مبنی بر نظراندوختن به موضوعات منع تولید و

استفاده از سلاحهاي اتمي، شيميايي و کشتار دسته‌جمعي، ديوان با اين استدلال که چنين موضوعاتي تاکنون مبناي عرفي پيدا نکرده است، از پذيرش صلاحيت خود راجع به منع و توليد و به‌کارگيري سلاحهاي اتمي و ديگر سلاحهاي مخرب امتناع ورزيده، و صلاحيت خويش را نسبت به سلاحهاي شيميايي مسکوت قرار داده است. به نظر مي‌رسد اميدي وجود نداشته باشد که در آينده نزديک اين موارد در قلمرو صلاحيت ديوان قرار بگيرد، مگر آنکه در مفاهيم کلي و مصاديق جرايم بين‌المللي تجديدنظر مجدد به‌عمل آيد.

از ديگر ايرادات وارد بر اساسنامه ديوان آن است که اساسنامه هيچ‌گونه تمهيد خاصي را براي مبارزه با جرايم تروريستي و قاچاق مواد مخدر نيانديشده است، با آنکه اين نوع جرايم از جرايمي است که کشورها و ملل دنيا از آن رنج مي‌برند، و شايد از ديرباز يکي از آرمانهاي به‌حق جامعه بين‌الملل، ايجاد جامعه بين‌الملل، ايجاد مکانيزمي مناسب و صحيح جهت مبارزه با اين نوع از جرايم

بود.<sup>۷۰</sup> البته این بدان معنا نیست که دیوان کیفری بین‌المللی با دادگاههای ملی در خصوص مبارزه با چنین جرایمی همکاری و معاضدت نخواهد داشت.

همچنین باید افزود که اگرچه اساسنامه دیوان در ماده ۸۰ خود صلاحیت کشورها را در اعمال مجازاتها براساس قوانین داخلی و ملی پذیرفته است،<sup>۷۱</sup> و از طرفی هم صلاحیت خود را محدود به چهار طبقه از جرایم نموده است، ولی از توجه به دو نکته مهم غفلت نموده است:

اولاً: اساسنامه دیوان فهرستی از جرایم را چه به صورت خاص و چه به صورت عام در دسته‌های ۱ و ۲ و ۳ از جرایم بین‌المللی ذکر نموده است، ولی هیچ‌گونه تعریفی از جرم دسته‌چهارم (جرم تجاوز) ارائه نداده است، بلکه تعریف و تعیین مفهوم و مصداق آن را براساس مقررات

---

۷۰. رك. گزارش سازمان ملل متحد که در مبحث دلایل موافقت با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی نقل شده است.

۷۱. ماده ۸۰ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد که: «هیچ مورد از موارد مذکور در این فصل از اساسنامه بر اجرای مجازاتهایی که قوانین ملی مقرر کرده‌اند تأثیر نمی‌گذارند، همچنان‌که بر قوانین کشورهای که مجازاتهای مشروح در این فصل را در قوانین خود پیش‌بینی کرده‌اند بی‌تأثیر هستند».

مندرج در ماده ۱۲۱ اساسنامه راجع به «اصلاحات» و ماده ۱۲۳ آن راجع به «تجدیدنظر در اساسنامه» به آینده موکول نموده است. در نتیجه یکی از مهمترین جنایات بین‌المللی یعنی جرم تجاوز، با آنکه در مفاد منشور نورنبرگ درج شده بود از صلاحیت دیوان حذف شده است، بلکه این امر به شورای امنیت واگذار شده است تا تصمیم لازم را اتخاذ کند. بنابراین نقش شورای امنیت در این خصوص نقش اساسی خواهد بود و دیوان نقش ثانوی خواهد داشت.

به نظر می‌رسد که تا زمان تعیین و تعریف جرم تجاوز که حداقل تا هفت سال دیگر صورت نمی‌پذیرد، مجرمان به جرم تجاوز فقط در دادگاه‌های داخلی محاکمه خواهند شد، مشروط بر آنکه چنین جرمی در نزد آنها قابل رسیدگی و تعقیب و محاکمه باشد. بنابراین فی‌المثل دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به چنین جرایمی را ندارند، زیرا جرم تجاوز و مجازات آن در قانون داخلی ایران پیش‌بینی نشده است.

ثانیاً: موارد تفصیلی جرایم مندرج تحت دسته‌های ۱ و ۲ و ۳ از جرایم

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۲۲۹

بین‌المللی با چند مشکل کلی مواجه  
است: ۷۲

اول آنکه اگرچه ظاهراً در اصل  
عناوین چهارگانه جرایم بین‌المللی بین  
کشورها اختلافی وجود ندارد، ولیکن طرز  
تلقی کشورها و سیستم‌های حقوقی نسبت به  
تعریف، و تفسیر مفاهیم و مصادیق آنان  
متفاوت خواهد بود.

دوم آنکه برخی از عناوین مجرمانه  
بسیار مبهم و کلی است، که در عمل یک  
صلاحیت وسیع کیفری<sup>۷۳</sup> گسترده‌ای را به  
دیوان می‌دهد. به عنوان مثال بند الف  
ماده ۷۷ اساسنامه دیوان در باب  
مجازات‌های قابل اعمال مقرر می‌دارد: «  
حبس به مدت معینی که بیش از سی سال  
نباشد ...». وضع چنین قانونی به قاضی

---

۷۲. ورود به بحث تفصیلی در این خصوص ز مان دیگری را  
می‌طلبد. مقاله دیگر نویسنده در این باب که تدوین بخشی  
از آن به پایان رسیده است، مباحث مفصلی را در جرایم  
بین‌المللی، تعریف و مصادق، زمینه‌های تاریخی، حضور  
آنها در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی طرح کرده، و  
حوزه صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی را در خصوص آنها  
تشریح و نقد خواهد کرد. در بخشی از این مقاله به  
مشکلات عمده‌ای که احیاناً کشورهای اسلامی خصوصاً ایران در  
الحاق به اساسنامه دیوان مواجه خواهند شد، اشاره  
خواهد شد.

73. Criminal discretion..

يك صلاحديد وسيع كيفري<sup>۷۴</sup> خواهد داد تا مجرم بين المللي را ولو به يك روز حبس مجازات كند، زيرا در اين ماده هيچ حداقل براي مجازات معين نشده است. همچنين اساسنامه ديوان در بند ب ماده ۶ به صورت كلي و ابهام آوري «ايراد صدمه شديد نسبت به سلامت جسمي يا روي اعضاي يك گروه» را از جرايم نسلكشي شمردده است. و يا آنكه در بند ك ماده ۷ اساسنامه ديوان به صورت كلي و ابهام آوري هر نوع از «اعمال غير انساني مشابه ديگري كه عامداً به قصد ايجاد رنج عظيم يا صدمه شديد به جسم يا به سلامت روي و جسمي صورت پذيرد» را از جنايات ضد بشري به حساب آورد. به نظر مي رسد كه اعطاي هرگونه صلاحديد وسيع كيفري به قضات ديوان، در صورت عدم تدوين مكانيزم هدايت و يا كنترل كننده مشخص، ممكن است موجب صدور تصميمات غير عادلانه توسط مقامات قضايي ديوان شود. از طرفي اين مسئله الحاق كشورهايي را كه داراي استقلال حقيقي مبتني بر گرايشات ديني، سنتي، و آيينهاي عرفي هستند با مشكل

---

74. Discretion..

جدي روبرو خواهد ساخت.  
سوم آنکه حضور برخي از جرايم ليست شده در اساسنامه ديوان خالي از مباحث و مناقشات جدي حقوقي نمي‌باشد، بلکه تعدادي از آنان برخلاف اصول و مقررات كيفري پذيرفته شده توسط برخي کشورها مي‌باشد، که اين خود مسأله پذيرش و الحاق به اساسنامه ديوان را با مشکل بزرگ مواجه خواهد ساخت.

در خاتمه بايد متذکر شد از آنجايي که براي اولين بار نهاد دادستاني در سطح بين‌المللي مورد تجزيه و آزمایش قرار مي‌گيرد، ايفاي صحيح نقش دادستان، و در نتيجه تحقق عدالت بدون مشکل نخواهد بود. توضيح آنکه، دادستان در پيگيري دعاوي بين‌المللي نبايد به هيچ سيستم حقوقي خاصي وابسته باشد، بلکه تنها بايد در جهت تأمين منافع بين‌المللي و در دفاع از جامعه بين‌المللي گام بردارد. ولي به هر حال، از دیدگاه عملي بروز مشکل نسبت به استقلال دادستان با وجود عوامل متعدد نفوذ و فشار در دنياي معاصر امري ممکن‌الوقوع، بلکه در شرايط کنوني تحکيم نظم نوين جهاني ادعائي و

اعمال انحصاري حق وتو توسط شوراي امنيت  
قريبالوقوع خواهد بود.

## خاتمه

قانوني بودن جرم و مجازات بايد از  
اصول بديهي و مسلم در پرونده هاي كيفري  
بين المللي باشد، و تعيين جرايم  
بين المللي و مجازات آنها بايد توسط يك  
دادگاه بين المللي صورت پذيرد كه براساس  
و مطابق با مقررات اساسي و پايدار  
بين المللي تاسيس شده باشد.

توضيح آنكه طريق عادي براي تاسيس  
نهادهاي بين المللي و مخصوصاً نهادهاي  
قضايي آن وضع قانون مناسب و كامل براي  
آن است. اين امر در عرصه بين المللي  
امكان پذير نخواهد بود، مگر آنكه از  
طريق انعقاد يك معاهده بين المللي صورت  
پذيرد. مضافاً آنكه يك قاضي داخلي  
نمي تواند در امر محاکمه و مجازات به  
حقوق كيفري بين المللي استناد کند، مگر  
آنكه معاهده وارد سيستم حقوق داخلي او  
شده و اعتبار و اجراي آن در حدود سيستم  
حقوق داخلي كه عادتاً براساس شرايط  
حاکم در قانون اساسي و با قوانين عادي

درآمي بر تاسيس دادگاه كيفري ... ❖ ۲۳۲

باید به امضا و تصویب مقامات رسمی پذیرفته شده باشد.

این روش مطمئن‌ترین و تنها راه مناسب برای تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی است، که شالوده آن در تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم در جولای ۱۹۹۸ پایه‌ریزی شد. بر این اساس دیوان کیفری بین‌المللی یک محکمه کیفری دائمی خواهد بود که بر اشخاص حقیقی نسبت به ارتکاب جرایم بین‌المللی صلاحیت کیفری خواهد داشت. دیوان برخلاف محاکم ویژه، از قبل دادگاه لاهه برای مجازات مجرمان جنگی یوگسلاوی سابق و رواندا موقتی و محدود به زمانی خاص و منحصر به یک حوزه خاص جغرافیایی نخواهد بود.

بدون شک ایجاد چنین دیوانی که به محاکمه مجرمان بین‌المللی خواهد پرداخت، می‌تواند مثبت و قابل توجه ارزیابی شود. زیرا دیوان می‌تواند نهادی بین‌المللی برای توسعه و رعایت حقوق بشر و همچنین حمایت و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد. مسلماً دیوان ضمن بهره‌برداری از اصول کلی حقوق بین‌المللی و عرف حقوق بین‌الملل می‌تواند با تصمیمات خود در

آینده منبعی مهم برای وضع عرفه‌های بین‌المللی و اصول جدید حقوقی بین‌المللی گردد، که قطعاً مشارکت جامعه بین‌المللی در این خصوص در جهت رسیدن به نظم و امنیت بین‌المللی و حفظ کارایی دیوان، مؤثر بلکه ضروری می‌باشد.

البته اگر دیوان کیفری بین‌المللی بخواهد در صحنه بین‌المللی مفید و معتبر باشد، لازم است که مستقل، بی‌طرف، عادل و مقتدر باشد. دیوان هرگز نباید تحت تأثیر و یا قیمومت هیچ‌یک از کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی حتی شورایی امنیت قرار گیرد. بدیهی است که یکی از راه‌های حفظ استقلال و بی‌طرفی دیوان عدم وابستگی مالی آن به یکی از قطب‌های اقتصادی می‌باشد.

استقلال ارکان دیوان مخصوصاً قضات و دادستان آن نسبت به اقدامات خود باید تضمین گردد. زیرا موفقیت چنین دادگاهی در عرصه بین‌المللی مرهون آن است که پرسنل و کارمندان و خصوصاً قضات آن معین و مشخص بوده، از استقلال کامل و امنیت شغلی و تصدی برخوردار بوده، و از مداخله مستقیم و یا غیرمستقیم

درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری ... ❖ ۲۳۵

سازمانهاي بين‌المللي و يا كشورها در  
تصميمات آنها مصون باشند.

بالاخره دادگاه كيفري بين‌المللي  
بايد بتواند يك سيستم مقتدر و منصفانه  
و عادلانه‌اي را در رسيدگي‌هاي كيفري و  
محاكمه و مجازات مجرمان بين‌المللي  
پايريزي نمايد، تا بتواند آن شكافي را  
كه از ناتواني دادگاههاي داخلي در  
رسيدگي به پرونده‌هاي كيفري بين‌المللي  
ناشي مي‌شود پُر نمايد.

درخصوص الحاق و يا عدم الحاق يك  
كشور به اين ديوان و پذيرش اساسنامه آن  
لازم است متخصصان اهل فن و حقوقدانان آن  
كشور جهت اتخاذ تصميمي صحيح و درجهت  
مشاركت در نظام بين‌المللي و ايفاي نقشي  
سازنده در ساختار نظام بين‌المللي دور  
هم گردآيند، و به ارزيابي كامل تئوري و  
عملي آن پرداخته و نتايج مثبت و منفي  
الحاق به آن را بررسي موشكافانه  
نمايند.

البته بايد به اين نکته توجه داشت  
كه گرچه براي برخي از كشورها الحاق به  
ديوان كيفري بين‌المللي و اساسنامه آن  
مشكلاتي را به همراه خواهد داشت، اما

سنگینی خشونت جرایم بین‌المللی به حدی غیرقابل تحمل خواهد بود که تأثیر نامطلوبی بر جامعه آن کشور وارد خواهد نمود. از طرفی هم نباید منتظر ماند تا روزی فرا رسد که تمامی مشکلاتی که فرا راه دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد حل گردد، و آنگاه تصمیم نهایی را درخصوص الحاق به آن اعلام کرد، بلکه کشورها باید حضور فعال خویش را از ابتدا در صحنه‌های بین‌المللی حفظ نمایند، تا آنکه میوه چنین مشارکت فعالی در عرصه بین‌المللی، دستیابی به یک دیوان کیفری بین‌المللی فعال، عادلانه و مقتدر در رسیدگی، تعقیب و مجازات مجرمان بین‌المللی باشد.

## برخي از مصادر و منابع

Antonio Cassese, *International Law in a Divided World*, Clarendon Press, Oxford, 1990.

Bhalla & Bala, *Fundamentals of International Law*, Docta Shelf, Dehli, 1990.

Bassiouni, C. and Nanda, V. P., *A Treatise on International Criminal Law*, Springfield, IL: C.C. Thomas, 1973, 2 vols.

Bassiouni C., *International Crimes, digest/index of International Instruments, 1815 – 1985*. Dobby Ferry, N.Y. Oceana, 1985, 2 vols.

Christine Gray, *Judicial Remedies in International Law*, Clarendon Press, 1990.

D.J. McClean, *International Judicial Assistance*, Clarendon Press, 1992, p. 124.

D.J. Harris, *Cases and Materials on International Law*, Sweet & Maxwell, 1983.

Elizabeth Beyerly, *Public International Law: A Guide to International Sources*, Mansell, 1991.

Ferencz, *Foundations for the Establishment of an International Criminal Court*, 2315, Alcyone Drive, Los Angeles, CA 90068, USA.

Ferencz, B. B., *An International Criminal Court: A Step Toward World Peace. A Documentary History and Analysis*, Dobby Ferry, N. Y.: Oceana, 1980, 2 vols.

Friedlander, R. A., *Terrorism: Documents of International*

and Local Control, Dobby Ferry, N. Y.: Oceana, 1979-89, 5 vols.

International Military Tribunal, Nuremberg, 14 November 1945 to 1 October 1948, Nuremberg, 1947-9, 42 vols.

Internet Sites: <http://www.igc.apc.org/icc>; <http://www.lchr.org>; <http://www.un.org/icc>; <http://www.groundzero.com>.

Rome Statute on International Criminal Court, Italy, 1998.

Rosemary Pattenden, Judicial Discretion and Criminal Litigation, 2nd Edn., Clarendon Press, Oxford, 1990.

Steiner & Alston, International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals, Clarendon Press, 1996.

United Nations War Crimes Commission: Law Report of Trials of War Criminals, London: HMSO, 1947, 20 vols.

Vera Gowlland – Drbbas, Collective Responses to Illegal Acts in International Law, Martinus Nijhoff Publishers, 1990.